

بررسی تطبیقی مسئولیت اجتماعی خیرخواهی و نوع دوستی

در دستگاه اندیشگی دور کیم، سینگر و ژیتک^۱

غلامرضا غفاری^۱، جمشید میرزایی^۲، سارا شریعتی مزینانی^۳

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۷)

چکیده

مسئولیت اجتماعی نشان می‌دهد که انسان‌ها به عنوان موجوداتی اجتماعی نمی‌توانند نسبت به حیات هموعان خود بی‌تفاوت باشند. در نسبت کنش‌های نوع‌دوستانه با اندیشه اجتماعی باید گفت که این کنش‌ها در سیر تاریخ تفکر اجتماعی، سوژه مناسبی برای اندیشه‌ورزی بوده است. دور کیم جامعه‌شناس، سینگر فیلسوف اخلاق و ژیتک فیلسوف سیاسی از جمله متفکرینی هستند که در باب مسئولیت اجتماعی نوع‌دوستی نظریه‌پردازی کرده‌اند. پژوهش حاضر می‌خواهد که با رویکردی تطبیقی، مسئولیت اجتماعی خیرخواهی را در منظومه فکری این سه اندیشمند تحلیل کند.

این پژوهش با رویکردی تطبیقی و ذیل سنت کیفی و از نوع مورد محور و با موارد کم یا همان N کوچک (تمرکز بر سه متفکر) انجام شده است.

پس از بررسی آثار این سه متفکر، تعداد ۱۰ مؤلفه (پروپلماتیک متفکر، اهمیت و ضرورت عدالت اجتماعی، همراهی و همدلی متفکر با خیریه و خیریه‌گرایی، سویه‌های منفی خیریه و خیریه‌گرایی، و...) شناسایی و به شکل تطبیقی مورد تحلیل قرار گرفت.

ترسیم منظومه فکری سه متفکر منتخب در یک پیوستار نشان می‌دهد سینگر (با رویکردی مثبت‌نگر، ایجابی، خوش‌بین و امیدوار) در سمت راست، ژیتک (با رویکردی امتناعی، تهاجمی، نفی‌گرایانه و بدبینانه) در سمت چپ و دور کیم نیز (با رویکردی مشروط، انتقادی و اخلاقی) در میانه جانمایی می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: مسئولیت اجتماعی، خیرخواهی، بررسی تطبیقی، دور کیم، سینگر، ژیتک.

Doi: <https://doi.org/10.22034/jss.2025.2018667.1818>

• علمی - پژوهشی

۱. استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. Ghaffary@ut.ac.ir

۲. مدرس گروه مطالعات اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان استان تهران، تهران، ایران، (نویسنده مسئول).

jamshid.mirzaei2024@gmail.com

۳. استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. smazinani@ut.ac.ir

مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره هجدهم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۳، ص ۱۳۲-۱۰۵

مقدمه و بیان مسئله

مسئولیت اجتماعی نشان‌دهنده این است که انسان‌ها به عنوان موجوداتی اجتماعی نسبت به حیات و سرنوشت هم‌نوعان خود بی‌تفاوت نیستند. این بی‌تفاوت نبودن نسبت به حیات و رنج "دیگری" یا هم‌نوع، مسئولیت اجتماعی (در اینجا خیرخواهی^۱، دیگرخواهی^۲، نوع‌دوستی^۳) را در متن زندگی انسان‌ها حک کرده است و با ارزش‌ها عامی همچون عدالت، برابری و خیرعمومی مرتبط است. کانت می‌گوید: «اگر انسان خودخواه نباشد، دیگران را دوست دارد و نگران سعادت آن‌هاست و اگر به دلیل نوع‌دوستی زمینه خوشبختی دیگران را فراهم کند، عمل او ارزش اخلاقی دارد.» (کانت، ۱۳۹۹: ۲۷۲) در رابطه و نسبت میان نوع‌دوستی یا دیگرخواهی با اندیشه اجتماعی و مفهوم‌پردازی آن باید گفت که «عضلات اجتماعی و بحران‌های اخلاقی قرن نوزدهم، سهم زیادی در رشد نظریه‌های اجتماعی داشته و یکی از فضائل اخلاقی و ارزش‌های اجتماعی که توجه متفکرین اجتماعی را به خود جلب کرده، مفهوم دیگرخواهی بوده است.» (ذکایی، ۱۳۷۶: ۲۷۸) در سیر زندگی اجتماعی بشر و به موازات آن تحول‌اندیشه‌های اجتماعی، همواره خیرخواهی و نوع‌دوستی به مثابه مسئولیت اجتماعی، سوژه مناسبی برای اندیشیدن بوده و نتیجه آن پیدایش جریان‌ات و نحله‌های مختلفی در ساحت اندیشه‌ورزی اجتماعی بوده است. مانند مکتب کنش متقابل نمادی^۴ (تأکید بر روانشناسی اجتماعی، همدلی، رفتار همدلانه و اینکه دیگرخواهی را عموماً به عنوان یک انگیزه و نوعی حالت ذهنی تصور کردن)، مکتب مبادله^۵ (خیرخواهی را نوعی "مبادله" تصور کردن و برجسته‌سازی چشم‌داشت احترام و توقع جبران در کنش دیگرخواهانه)، مکتب انتخاب عقلانی^۶ (تأکید بر نگاه منفعت‌جو و محاسبه‌گر انسان و سنجش سود و زیان در هر کنش دیگرخواهانه) و... اما پژوهش حاضر قصد دارد ورای این جریان‌ات و مکاتب و با نگاهی متفاوت، اندیشه مسئولیت اجتماعی را به شکلی مقایسه‌ای بررسی کند.

مسئولیت اجتماعی نوعی احساس التزام به عمل یا واکنش فردی در موقعیت‌های گوناگون به دلیل "تقید به دیگران" است (یزدان‌پناه و حکمت، ۱۳۹۳: ۱۲۸). مطالعات نشان می‌دهد که «نظریات مورد استفاده در تبیین رفتارهای دیگرخواهانه غالباً از روان‌شناسی ریشه گرفته و مهم‌تر

1. Charitableness
2. Altruism
3. philanthropy
4. Symbolic interaction
5. Exchange
6. Rational choice

اینکه در آن‌ها کمتر به تأثیرات هنجارها و نیروهای اجتماعی فعال در جامعه - که به رفتار نوع‌دوستانه کمک می‌کنند- پرداخته شده است.» (ذکایی، ۱۳۷۶: ۲۹۱) لذا تلاش پژوهش حاضر در جهت برجسته‌کردن صبغه و سوبه‌های اجتماعی نظریه‌های نوع‌دوستی و خیرخواهی است؛ چرا که فهم دیگرخواهی ذیل مسئولیت اجتماعی، اهمیتی اساسی در زندگی اجتماعی انسان‌ها دارد و پذیرش مسئولیت اجتماعی در قبال دیگران و به نوعی مفاهیم دیگرخواهی و نوع‌دوستی، مفاهیمی بنیادین در فهم رفتار اجتماعی انسان محسوب می‌شوند. با بیان این توضیحات، پژوهش حاضر قصد دارد مسئولیت اجتماعی دیگرخواهی (نوع‌دوستی) را به شکل تطبیقی در منظومه فکری امیل دورکیم^۱، پتر سینگر^۲ و اسلاوی ژیزک^۳ تحلیل کند. این سه متفکر در یک صورت‌بندی برساختی^۴ نماینده سه سنت فکری برجسته در ساحت اندیشه اجتماعی خیرخواهی و نوع‌دوستی هستند: (سینگر نماینده جریان خیریه‌گرایی ایجابی^۵، ژیزک نماینده جریان خیریه‌گرایی سلبی^۶ و دورکیم نماینده جریان خیریه‌گرایی مشروط^۷).

الف) جریان خیریه‌گرایی ایجابی با رویکرد اثباتی، خوش‌بین، مثبت‌نگر، امیدوار و الهام‌بخش خود به شدت از پذیرش مسئولیت اجتماعی در فعالیت‌های خیرخواهانه حمایت می‌کند و از همگان می‌خواهد بی‌چشم‌داشت و بدون ترس از کاهش ثروت و دارایی خود و خانواده، به مؤثرترین خیریه‌ها و نیز کارزارهای خیریه کمک کنند.

ب) جریان خیریه‌گرایی سلبی با رویکرد امتناعی، تهاجمی، نفی‌گرایانه، بدبینانه و انتقادی با سوبه‌های قوی منفی‌نگرانه خود شهروندان را از هرگونه کنش خیریه‌گرایانه به خاطر قوام‌بخشی این اقدامات به نظام سرمایه‌داری، بر حذر می‌دارد و مسئولیت اجتماعی شهروندان را در کنش انقلابی و سیاست‌رادیکال در تغییر ساختارهای اقتصادی سیاسی نظام سرمایه‌داری می‌بیند.

ج) خیریه‌گرایی مشروط نه مانند جریان ایجابی مدافع تمام‌قد و هوادار ثابت‌قدم خیریه و خیریه‌گرایی است و نه مانند خیریه‌گرایی سلبی از اساس هرگونه کنش خیرخواهانه و نوع‌دوستانه و شفقت‌ورزی انسان‌ها نسبت به شهروندان دیگر را نفی می‌کند. در واقع

1. Émile Durkheim
2. Peter Singer
3. Slavoj Žižek
4. Construction formation
5. Positive Charitism
6. Negative Charitism
7. Conditional Charitism

خیریه‌گرایی مشروط نه خوش‌بینی و مثبت‌نگری ایجابی‌ها را دارد و نه بدبینی و منفی‌نگری سلبی‌ها را. این جریان مسئولیت اجتماعی دیگرخواهی را برای تقویت همبستگی اجتماعی و جلوگیری از چندپاره‌شدن جامعه و تحقق عدالت اجتماعی و مبارزه با نابرابری‌های اجتماعی را شرط لازم (و البته نه کافی) می‌داند.

اما دلیل انتخاب این سه متفکر: در شرایطی که مکاتب و نحله‌هایی چون مکتب رفتار عقلانی (افرادی مانند گری بکر) و مکتب مبادله (افرادی مانند پیتز بلاو) و... هرگونه مسئولیت‌پذیری اجتماعی و کنش خیرخواهانه و نوع‌دوستانه را ذیل رفتار محاسبه‌گرانه سود و زیان و دو تا چهارتا کردن و در مسیر تلاش برای کسب قدرت، پرستیژ اجتماعی، آبرو و حشمت، شهرت، خوشنامی و... می‌دانند و به زعم ایشان، انسان‌ها با محاسبه سود بیشینه و زیان کمینه در یک عمل اجتماعی (چربش سود بر ضرر و کسب دستاورد حداکثری)، اگر نتیجه و خروجی آن عمل، اعتبار اجتماعی و به چشم دیگران بزرگ‌آمدن باشد، انجام رفتار خیرخواهانه را توجیه‌پذیر می‌دانند. در این میان سینگر به عنوان نماینده و نماد «جنبش دیگر دوستی مؤثر» و خیریه‌گرایی ایجابی در دفاع از اندیشه مسئولیت اجتماعی انسان‌ها و خیرخواهی عام‌گرایانه حضوری فعال دارد و اندیشه و باور خیرخواهی و نوع‌دوستی بدون چشمداشت و فارغ از هرگونه مرزبندی هویتی را تبلیغ و ترویج می‌کند. ژیزک نیز با پذیرش مسئولیت اجتماعی روشنفکر، برای مقابله با نتایج خودخواهی افراطی و فردگرایی ویرانگر و سیاست‌زدایی از جامعه و نیز برای یادآوری علل بنیادین شرایط نابسامان موجود، با نگاهی متفاوت و با نقد ساختارهای درهم‌تنیده اقتصاد سیاسی سرمایه‌داری، کل داستان را نوعی بازی در زمین نظام سرمایه‌داری و پذیرش قواعد این بازی و نظام می‌بیند و ضمن برجسته‌کردن نقش ساختار اقتصاد سیاسی و نظم سیاسی - حقوقی مستقر در پدیدآیی وضع موجود و نیز با نقد اندیشه‌های نئولیبرال (که در پی مسئولیت‌زدایی از حکومت‌ها هستند)، نقش آن را در ترویج و میدان‌دادن به فعالیت‌های خیرخواهانه به چالش می‌کشد. نهایتاً اینکه در زملنه‌ای که فردگرایی افراطی، گریز از مسئولیت اجتماعی، رقابت روزافزون برای موفقیت فردی، عافیت‌طلبی، سیاست‌گریزی، تضعیف عام‌گرایی و تشویق خاص‌گرایی و به عبارت موجز "کاهش همبستگی اجتماعی"، تهدیداتی جدی برای زیست اجتماعی ما هستند؛ میراث فکری دورکیم در ساحت اندیشه‌ورزی اجتماعی و کنشگری مدنی و پذیرش مسئولیت اجتماعی می‌تواند راهگشا و الهام‌بخش باشد.

اما نسبت علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی با اخلاق خیرخواهی و نوع‌دوستی در چیست؟ می‌دانیم که جامعه‌شناسی در کلیت خود در حدود دو قرن پیش همزمان با افول اخلاقیات جمعی

ناشی از تحولات سریع اجتماعی متولد شد. در واقع بحران‌ها و معضلات اخلاقی و نیز ارزش‌ها و هنجارهای در خطر زوال از مهم‌ترین دغدغه‌های فکری بنیانگذاران جامعه‌شناسی بوده است و تا به امروز نیز ادامه داشته است. می‌توان گفت در عصر ما مقوله خیرخواهی به لحاظ حوزه مطالعاتی، ماهیتی بین‌بخشی دارد و می‌شود آن را حداقل در دو حوزه «جامعه‌شناسی مسئولیت اجتماعی»^۱ و «جامعه‌شناسی اخلاق»^۲ جای داد.^۳ این دو حوزه بر مسئولیت اجتماعی نسبت به هم‌نوعان و مترادف با فداکاری و دیگرخواهی و نیز برجسته‌کردن امر اخلاقی یعنی اولویت دادن به منافع جمعی و مصالح اجتماعی بر منافع شخصی تأکید دارند. در شرایط «بازگشت امر اجتماعی»^۴، مطالعات جامعه‌شناسی مسئولیت اجتماعی و جامعه‌شناسی اخلاق گواه این مدعاست که دیگرخواهی و دیگران را در محاسبات و معادلات خود وارد کردن، به رسمیت شناختن دیگران و زایش اخلاقیات در جامعه، همیشه خطرات تهدیدکننده همزیستی و تداوم حیات اجتماعی را کاهش داده است.

با توجه به مطالعات و پژوهش‌هایی نظیر تضعیف اخلاق اجتماعی و تزلزل مبانی اخلاق اجتماعی جامعه (میرزایی ملکیان و توکلی، ۱۳۹۷) اهمیت بررسی و مطالعه علمی، اجتماعی و روشمند مسئولیت اجتماعی این است که مسئولیت اجتماعی همان وجوه بازنمایی‌کننده "امر اجتماعی" (حوزه مطالعاتی علوم اجتماعی) است. مواردی نظیر: دغدغه‌های جمعی و اجتماعی داشتن، تلاش جمعی برای رسیدن به خیر عمومی، "دیگری" را هم‌نوع و همدرد دانستن، مصالح اجتماعی را بر منافع شخصی ترجیح دادن، رستگاری فردی را در گرو رستگاری جمعی دیدن، موفقیت و ناکامی خود را در ارتباط با ساختارهای اجتماعی دیدن، مؤثر دانستن عوامل ساختاری و اقتصادی و سیاسی معیوب در بدبختی و سیه‌روزی انسان‌ها، سوژگی خود را در ارتباط و

1 . Sociology of Social Responsibility

2 . Sociology of Morality

۳. برای مطالعه بیشتر راجع به جامعه‌شناسی مسئولیت اجتماعی خواندن مقاله شری تامپسون (۲۰۲۱) و نیز جهت مطالعه بیشتر درباره جامعه‌شناسی اخلاق، خواندن دو مقاله از گابریل آبند (۲۰۰۸) و استیون هیتلین و استفان وایزی (۲۰۱۳) پیشنهاد می‌شود.

۴. از نظر عالمان اجتماعی، «امر اجتماعی» دوبار متولد شده است. یک بار در قرن نوزدهم و در آستانه شکل‌گیری جامعه‌شناسی و یک بار هم در عصر ما که چالش‌ها و مسائل اجتماعی متعدد مانند فقر و مسائل معیشتی و بحران‌های اخلاقی مجدداً به صدر مسائل آمده است. (این مطلب را دکتر سارا شریعتی به نگارنده یادآوری کرده است که از ایشان تشکر می‌شود).

پیوستگی با جمع و جامعه دانستن، تحلیل و تفسیر کردن اوضاع و مسائل با دخیل دانستن شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، پرهیز از خودمحوری و گرایش به نوع‌دوستی و دیگرخواهی، مطالبات جمعی و اجتماعی را بر علائق فردی چیرگی دادن، و...

حال چند پرسش مطرح می‌شود: چرا این متفکران از یک سو با نقد انسان اقتصادی مسئولیت‌گرای (انسان سودجو و منفعت‌طلب) و از سوی دیگر با برساخت مفهوم انسان اجتماعی مسئولیت‌پذیر (انسان دیگرخواه و نوع‌دوست)، آن را برجسته کرده و این باور را دامن می‌زنند که کردار انسان اجتماعی یا همان پذیرش مسئولیت اجتماعی را نمی‌توان به کنش‌های اقتصادی تقلیل داد؟ و دیگر اینکه واحدهای تفکر، نظریه‌های اجتماعی و بینش‌های ارائه‌شده - به طور خاص - در باب مسئولیت اجتماعی خیرخواهی و نوع‌دوستی چگونه هستند؟ آیا می‌توان آن‌ها را به شکل مقایسه‌ای و تطبیقی بررسی کرد؟ واقعیت این است که اندیشه‌ورزی‌ها در حوزه مسئولیت اجتماعی «نه آن چنان همسان و شبیه هم هستند که نتوان ویژگی‌های خاص و متمایزی برای هر کدام قائل شد و نتوان ابعاد و وجوه متفاوتی بین آن‌ها کشف کرد و نیز نه آنچنان خاص و منفرد و یگانه هستند که نشود ابعاد و جنبه‌های مشترکی بین آن‌ها کشف کرد.» (میرزایی، ۱۴۰۲: ۷۰) جذابیت پژوهشی اندیشه‌های اجتماعی مختلف، همین داشتن همزمان شباهت‌ها و تفاوت‌هاست. این جاست که تحلیل تطبیقی برجسته می‌شود. عطف به این موارد «هر نوع توصیف و تبیینی، تطبیقی است.» (اسملسر، ۲۰۰۳: ۶۴۴) در اهمیت تحلیل تطبیقی در علوم اجتماعی همین بس که «جامعه‌شناسی تطبیقی شاخه‌ای از جامعه‌شناسی نیست، بلکه خود جامعه‌شناسی است، آنجایی که توصیف صرف را رها می‌کند و خواهان تبیین واقعیت می‌شود» (دورکیم، ۱۹۴۹: ۱۳۹ به نقل از اسملسر، ۲۰۰۳: ۶۴۴).

در توجیه علمی و توجیه بررسی تطبیقی این سه متفکر به عنوان نماد و نماینده سه سنت فکری در حوزه اندیشه خیرخواهی، باید اهمیت علمی و فکری آن را نشان داد. می‌توان گفت که از این مقایسه خاص این دستاورد فکری یا علمی حاصل می‌شود که تفاوت و تشابه سه نوع نگاه و طرز تلقی به حوزه مسئولیت اجتماعی خیرخواهی را آشکار می‌کنیم. به عبارت دیگر می‌توانیم تبیین کنیم و توضیح دهیم که با مقایسه و بررسی تطبیقی این سه نظریه‌پرداز مهم در خیرخواهی و این سه متفکر برجسته، از نظر جامعه‌شناسی قرار است این امر برای ما حاصل بشود که علاوه بر افزودن به انباشت و ذخیره نظری علوم اجتماعی، از یک طرف سویه‌های مثبت و انسانی خیریه‌گرایی و از طرف دیگر سویه‌های منفی و مخرب خیریه‌گرایی را ببینیم. اینکه نقش دولت و حکومت چیست؟

نسبت عدالت اجتماعی با خیریه‌گرایی در چیست؟ همچنین بعد از مشخص شدن وجوه اشتراک و افتراق این سه دستگاه نظری، بدانیم از جهت و منظر جامعه‌شناختی کدام یک بیشتر به کار ما می‌آید؟ می‌توان ادعا کرد که با انتخاب این سه متفکر و سه منظومه فکری، یک دستگاه مقایسه‌ای ارائه می‌شود که برای دانشوران و پژوهشگران حوزه مطالعات خیریه و جامعه‌شناسی مسئولیت اجتماعی و نیز جامعه‌شناسی اخلاق، می‌تواند مفید باشد.

مسئله‌مندی پژوهش حاضر این است که برخی ابهامات شناختی و تبیینی در حوزه مطالعات اندیشه‌های خیرخواهی و نوع‌دوستی را مورد بررسی و واکاوی قرار دهد. به تعبیر دیگر «پرسش کانونی»^۱ و مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که دورکیم، سینگر و ژیتزک هر کدام مسئولیت اجتماعی خیرخواهی و نوع‌دوستی را چگونه تبیین کرده‌اند؟ و مهم‌ترین وجوه «شباهت» و «تفاوت» در مسئولیت اجتماعی خیرخواهی و نوع‌دوستی در دستگاه اندیشگی این سه متفکر چیست؟ لذا ضرورت مضاعفی وجود دارد که با رویکردی علمی، روشمند و تطبیقی به بررسی نظریات اجتماعی سه اندیشمند منتخب در عرصه مسئولیت اجتماعی خیرخواهی و دیگرخواهی پرداخته شود.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات تطبیقی است. محور تحقیقات تطبیقی، مطالعه شباهت‌ها (تجانس‌ها) و تفاوت‌ها (تمایزها) است. مشخصاً باید گفت که «تحلیل تطبیقی مبتنی بر مقایسه برای فهم شباهت‌ها و تفاوت‌های میان واحدهاست و یکی از قدیمی‌ترین روش‌ها در اندیشه اجتماعی و علوم اجتماعی است» (غفاری، ۱۳۸۸: ۹۹ و ایمان، ۱۳۹۷: ۱۵۳). در اهمیت و جایگاه روش تطبیقی باید گفت که «روش تطبیقی که با درجات متفاوتی از دقت تحلیلی به کار می‌رود، از زمان هرودوت جزء اصلی تفکر غربی بوده است.» (روسکو، ۲۰۱۷) و «روش تطبیقی به یک معنا از بقیه روش‌ها بنیادی‌تر است» (لیتل، ۱۳۸۶: ۲۹۹). لذا این پژوهش می‌خواهد به مطالعه تطبیقی و مقایسه‌ای اندیشه مسئولیت اجتماعی در منظومه فکری دورکیم، سینگر و ژیتزک پردازد.

1. Focal questions
2. Roscoe

در کل می‌توان گفت که پژوهش‌های تطبیقی و مطالعات مقایسه‌ای یا (۱) ذیل سنت کمی و از نوع متغیرمحور^۱ و با موارد فراوان (N بزرگ) انجام می‌شوند یا (۲) ذیل سنت کیفی و از نوع موردمحور^۲ و با موارد کم (N کوچک) انجام می‌شوند. پژوهش حاضر نیز با توجه به ماهیت پژوهش (بررسی تطبیقی دستگاه اندیشگی) و پرسش‌های مطرح‌شده (چه شباهت‌هایی؟ چه تفاوت‌هایی؟)، یک پژوهش کیفی موردمحور و با موارد محدود و کم (N کوچک) است. برای دستیابی به این مهم پژوهشگر با مراجعه به کتاب‌ها و مقالات و آثار برجسته این سه متفکر، پس از بررسی و جرح و تعدیل فراوان با شناسایی و طراحی ۱۰ مؤلفه و برای مقایسه‌کردن مفهوم مسئولیت اجتماعی، مدارک و شواهد و استنادات مورد نیاز را از آثار و مکتوبات ایشان استخراج کرده و به تحلیل و مقایسه آن‌ها پرداخته است.

نکته دیگر اینکه مطالعات موردی در سنت کیفی خاصه زمانی که موارد و پرونده‌های تحت بررسی دربرگیرنده منظومه فکری چند اندیشمند و صاحب‌نظر اجتماعی (مخصوصاً در اینجا حوزه مسئولیت اجتماعی خیرخواهی) باشد، می‌تواند ارزشمند و مفید باشد. ماهونی معتقد است «مطالعات موردی می‌توانند کمک‌کار خوبی برای پژوهش‌های تطبیقی باشند» (ماهونی و روشه میر^۳، ۲۰۰۳: ۴۰۹). نهایتاً اینکه با توجه «کمتر شناخته‌شدن، عدم آشنایی با روش‌های تطبیقی کیفی در ایران و قلت کتب و پایان‌نامه‌های مرتبط با این روش» (کوثری، ۱۳۸۶: ۱۴۴-۱۴۵). و تعداد به نسبت کم تحقیقات تطبیقی در حوزه مطالعات اجتماعی نسبت به دیگر حوزه‌های علوم انسانی^۴، و مشخصاً فقدان پژوهش‌هایی با موضوع بررسی تطبیقی مسئولیت اجتماعی در منظومه فکری متفکران اجتماعی^۵، ضرورت مضاعفی بر استفاده از این روش در پژوهش حاضر وجود دارد.

1. Variable oriented

2. Cases oriented

3. Mahoney, and Rueschemeyer

۴. طبق یافته‌های پژوهش جمشید میرزایی از میان ۵۱۶۱ پژوهشی که با روش‌شناسی تطبیقی در ۱۴ حوزه علوم انسانی در کشور انجام شده است، بیشترین آماره به ترتیب متعلق به حوزه ادبیات و زبان‌ها (۱۶/۲۵ درصد)، حوزه حقوق (۱۵/۵۹ درصد)، حوزه علوم دینی (۹/۵۳ درصد)، حوزه هنر (۹/۴۵ درصد) است. و حوزه وسیع علوم اجتماعی (۸/۱۱ درصد) در رتبه پنجم قرار گرفته است (میرزایی، ۱۴۰۲: ۸۳ و ۸۲).

۵. با جستجو در بانک‌های اطلاعاتی مواردی نظیر: بارثورپ و همکاران (۲۰۰۷)، شوابت و همکاران (۲۰۱۳)، ذکایی (۱۳۷۶)، ایمان و جلاتیان بخشنده (۱۳۸۹)، سروش (۱۳۹۱)، نوربخش و اکبریان (۱۳۹۷)، حسامی و همکاران (۱۴۰۲) بررسی شد که ارتباط چندانی با موضوع ما نداشت و به عبارتی موردی حاکی از تحلیل مقایسه‌ای صاحب‌نظران حوزه مسئولیت اجتماعی به دست نیامد.

تحلیل تطبیقی مسئولیت اجتماعی در منظومه فکری سه متفکر

برای بررسی تطبیقی و مقایسه‌ای منظومه فکری این سه متفکر در باب مسئولیت اجتماعی (خیرخواهی و نوع‌دوستی) پژوهشگر با مراجعه به کتاب‌ها و مقالات و آثار برجسته این سه متفکر، پس از بررسی و جرح و تعدیل فراوان با شناسایی و طراحی ۱۰ مؤلفه و برای مقایسه کردن مفهوم مسئولیت اجتماعی، مدارک و شواهد و استنادات مورد نیاز را از آثار و مکتوبات ایشان استخراج کرده و به تحلیل و مقایسه آن‌ها پرداخته است. (جدول ۱)

جدول ۱. بازنمایی مؤلفه‌های شناسایی شده در حوزه مسئولیت اجتماعی خیرخواهی و نوع‌دوستی در منظومه فکری سه متفکر منتخب

ردیف	مؤلفه	دورکیم	سینگر	ژبژک
۱	پروبلماتیک متفکر (ایده مرکزی)	نقش دیگرخواهی (فردگرایی اخلاقی) در قوام همبستگی اجتماعی	چگونگی استفاده از منابع برای رساندن بیشترین خیر ممکن	خیریه به مثابه روشی برای نهان ساختن تناقضات موجود در نظام ایدئولوژیک سرمایه‌داری
۲	نقد گریز از مسئولیت اجتماعی و خودخواهی	افول اخلاقیات و رشد خودخواهی (ویژگی افراد ماقبل اجتماعی) موجب اختلال در همبستگی اجتماعی می‌شود.	خودخواهی یا خودی اندیشی موجب تفکیک انسان‌ها به خودی و غیر خودی می‌شود	نقد خودخواهی روشن نیست و به مفاهیمی نظیر برون‌سپاری و سیاست‌زدودگی قابل ارجاع است.
۳	مواجهه نظری با نوع‌دوستی و اخلاق دیگرخواهی	اخلاق دیگرخواهی با روحیه ایثار و از خودگذشتگی همراه است و نفع هر فرد در نفع کل جامعه است	اخلاق دیگرخواهی یعنی شکوفایی هسته مرکزی هویت انسانی و تعالی فرد	علی‌رغم تلقی کردن مطرودین اجتماعی به عنوان ثمرات نظام سرمایه‌داری، مواجهه با دیگرخواهی همچنان تهاجمی است
۴	مواجهه نظری و عملی با فقر و فقرا	احسان، نیکوکاری و همدری با تهی‌دستان مهم است ولی این نوع فعالیت‌ها از عناصر فرعی و مکمل سوسیالیسم هستند نه سازنده آن	کمک به فقیرترین انسان‌های جهان به عنوان یک انتخاب بزرگ و حساس پیش روی ماست	تاختن به فعالیت‌های خیریه‌ای فقیرنوازانه زیرا به جای پرداختن به علل ساختاری مولد فقر، به کمک‌رسانی امدادی به فقیران اکتفا می‌شود.

ردیف	مؤلفه	دورکیم	سینگر	ژبژگ
۵	اهمیت و ضرورت عدالت اجتماعی	دیگرخواهی یعنی همدردی با انسان‌ها و مبارزه با آلام بشری برای تحقق عدالت اجتماعی	ارزشمندبودن عدالت نه به خاطر ذات عدالت بلکه به خاطر نتایج آن (رفاه و بهزیستی) است	تأکید بر بازسیاسی‌سازی اقتصاد به عنوان یک ظرفیت رهایی‌بخش و عدالت‌خواهانه
۶	همراهی و همدلی با امور خیریه و خیریه‌گرایی	انتقادی، مشروط و اخلاقی	خوشبین، اثباتی، ایجابی، حمایت و دفاع تمام‌قد	بدبین، سلبی، امتناع، نفی تمام‌قد
۷	سویه‌های منفی خیریه و خیریه‌گرایی	ناتوانی خیریه در تجدید سازمان ساختارهای جامعه، استمرار شرایط کنونی و تسکین موقت نابرابری‌های اجتماعی	برخی خیریه‌ها به خاطر فقدان برنامه موجب اتلاف منابع، سرمایه‌ها و کمک‌های اهدایی می‌شوند.	فعالیت‌های اقتصادی خیریه‌ای، اجزای جدایی‌ناپذیر از نظام سرمایه‌داری متأخر هستند.
۸	ترغیب شهروندان به مشارکت در امور خیریه (تجویز یا امتناع)	خیریه و خیریه‌گرایی به عنوان آرمانی اخلاقی برای تحقق سوسیالیسم و عدالت اجتماعی، فقط شرط لازم است ولی کافی نیست.	به شدت مشارکت در امور خیریه و بخشش قسمت مهمی از درآمد و دارایی (تا سرحد مطلوبیت حاشیه‌ای) ترغیب و تشویق می‌شود.	امتناع از خیریه‌گرایی در دستور کار قرار دارد. چرا که مشارکت در فعالیت‌های خیرخواهانه نهایتاً در جهت بهبود نظم سیاسی موجود است و سرنوشت فقرا را تغییر نخواهد داد.
۹	نسبت امور خیریه و خیریه‌گرایی با نهاد دولت و سیاست و قدرت	برای تحقق سوسیالیسم، نهادهای مدنی میانجی و حدواسط دولت و فرد قرار می‌گیرند.	در تلقی سینگری از مناسبات خیریه و خیریه‌گرایی، ساختارهای سیاسی و قدرت، غایب هستند.	تمام کنش‌های خیریه‌ای و خیرخواهانه در نسبت با نظام و ساختارهای سیاسی فهم می‌شود.
۱۰	راه حل پیشنهادی برای بهبود اوضاع و برون‌رفت از وضع موجود	تولد اخلاقیات جمعی و تلاش برای تحقق سوسیالیسم انجمنی و مدنی و تعاونی	بخشش روزافزون، انتخاب مشاغل درآمدزا برای اهداء بیشتر	راه حل رادیکال، تند و انقلابی (سیاست رادیکال) و مبارزه کمونیستی

پروبلماتیک (مسأله‌مندی) متفکر

پروبلماتیک دورکیم این است که چه نسبتی بین خودخواهی/دیگرخواهی با همبستگی اجتماعی وجود دارد. به تعبیر دیگر چرا و چگونه تشدید فردگرایی خودخواهانه و یا قوت دیگرخواهی (فردگرایی اخلاقی) موجب شکنندگی/قوام همبستگی اجتماعی می‌شود. چرا که در اندیشه دورکیم «خودخواهی نتیجه خلاء اخلاقی و توجه به منافع خود بدون در نظر گرفتن حقوق دیگران است و هرگز نمی‌تواند مبنایی برای همبستگی اجتماعی باشد» (چاندلر^۱، ۱۹۸۴). لذا وجود فردگرایی اخلاقی به مثابه تقویت‌کننده نظم اجتماعی و به معنی مسئولیت فرد در برابر دیگران، در تمام زوایای جامعه مبتنی بر همبستگی ارگانیک مدرن حائز اهمیت است.

پروبلماتیک سینگر این است که چگونه می‌توانیم از منابع مان برای بیشترین خیررسانی ممکن استفاده کنیم؟ چرا که «اخلاقی‌ترین نوع زندگی مستلزم انجام دادن بیشترین نیکی است... یا رساندن بیشترین خیر ممکن به دیگران است» (سینگر، ۱۴۰۰: ۳۳). به همین منظور وی تمام تلاش و مساعی فکری خود را برای تحقق «رساندن بیشترین خیر ممکن» به نیازمندترین انسان‌ها به کار می‌گیرد.

نقد ایدئولوژی، نقطه شروع در رویکرد تهاجمی ژیتک به حوزه خیریه و دیگرخواهی است. پروبلماتیک ژیتک این است که چرا و چگونه ایدئولوژی نظام سرمایه‌داری متأخر (نئولیبرالیسم) از طریق دامن زدن به فعالیت‌های خیریه، باعث سرپوش گذاشتن و مخفی کردن فجایع و کژکارکردی‌های این نظام می‌شود. وی ویژگی‌های ایدئولوژی را کدرسازي و ابهام‌آفرینی و توجیه‌کنندگی می‌داند. «ایدئولوژی چیزی است که تلاش می‌کند تا در امر واقعی ابهام ایجاد کند؛ تا بر این شکاف‌ها، تناقضات یا نقایص سرپوش بگذارد» (ژیتک، ۲۰۱۹: ۴۵). و چون ایدئولوژی را نوعی خیال‌پردازی می‌داند، انسان را به «بیرون آمدن از خیال‌پردازی» دعوت می‌کند (ژیتک، ۲۰۰۸: ۳۲۹). و در نقد ایدئولوژی، فعالیت‌های خیریه‌ای و انجمنی و... را «روشی برای نهان ساختن تناقضات موجود در نظام ایدئولوژیک» تفسیر می‌کند (ژیتک، ۲۰۱۹: ۳۸).

نقد گریز از مسئولیت اجتماعی و خودخواهی

فردگرایی خودخواهانه (فردگرایی لجام گسیخته و حرکت در پی نفع شخصی) که مورد نظر فیلسوفان و اقتصاددانان فایده‌باور است؛ مبتنی بر اولویت‌بخشیدن به منافع شخصی خود بر

1. Chandler

مصالح اجتماعی است و موجب اختلال در نظم و همبستگی اجتماعی است. دورکیم رابطه میان اقتصاد و اخلاق را واکاوی می‌کند و برخلاف کسانی که اقتصاد و اخلاق و اجتماع و... را عرصه‌ها کاملاً مستقل و مجمع‌الجزایری منفک شده تصور می‌کنند و همه امور را به دست اسمیتی نامرئی بازار می‌سپارند؛ و اقتصاد را دنیای محاسبات و عقلانیت محاسبه‌گر می‌دانند و اخلاق را عرصه باید‌ها و نبایدهای اخلاقی می‌دانند. در یک نقد تأمل برانگیز می‌گوید: «اگر نظم اقتصاد و قاعده‌ای در امور اقتصادی ایجاد نشود آثار و نتایجش از حدود قلمرو اقتصاد خارج خواهد شد و نوعی کاهش حس اخلاقی در عموم مردم را به دنبال خواهد داشت» (دورکیم، ۱۳۸۴: ۱۱). پس بی‌قاعدگی‌ها و وضعیت آنومیک اقتصادی، می‌تواند آتش خودخواهی و فردگرایی خودخواهانه را شعله‌ورتر سازد و حیات اجتماعی را به شدت تهدید کند.

فردگرایی خودخواهانه و ناهنجاری‌های فردی که خود نتیجه و پیامد بی‌قاعدگی در عرصه اقتصاد و مرجع دانستن منافع فردی بر مصالح جمعی است، می‌تواند «زمینه را برای تشدید ناهنجاری اجتماعی فراهم می‌کند و نتیجه آن جز افزایش هرج و مرج نیست» (چلبی، ۱۳۹۵: ۲۸۶). سخن کوتاه اینکه خودخواهی، دیگران را در محاسبات خود وارد نکردن، به رسمیت نشناختن دیگران و افول اخلاقیات در جامعه، همیشه خطری برای تداوم همزیستی و حیات اجتماعی و همبستگی اجتماعی بوده است.

در اندیشه سینگر خودپرستی^۱ (تنها خود را در نظر داشتن) در تضاد با دیگر دوستی است است (سینگر، ۱۴۰۰: ۴۵). همچنین وی نوع دیگری از خودخواهی را نقد می‌کند یعنی خودی اندیشیدن و تقسیم کردن انسان‌ها به خودی و غیر خودی. وی این دیدگاه را ارائه می‌دهد که ما علاوه بر زیرپا گذاشتن خودخواهی، نسبت به اطرافیان دور همان تعهدات اخلاقی را داریم که نسبت به نزدیکان خود داریم و استدلال می‌کند که انتخاب نکردن گزینه اعطای پول برای نجات افراد گرسنه در آن سوی کره زمین معادل اخلاقی غفلت از نجات کودکان غرق شده است. زیرا ما ترجیح داده‌ایم کفش‌های گران‌قیمت‌مان را گل‌آلود نکنیم (سینگر، ۱۹۷۲). معمولاً انسان‌ها بیشتر تمایل دارند در فعالیت‌هایی مشارکت خیرخواهانه داشته باشند که در مجاورت آن‌ها قرار دارد و با چشم خود آن را می‌بینند. دیگر دوستان مؤثر «بیشتر درباره تعداد آدم‌هایی که می‌توانند نجات دهند صحبت می‌کنند تا درباره افراد مشخص» (سینگر، ۱۴۰۰: ۱۲۸). هم‌وطن بودن و هم‌منطقه بودن و آشنا بودن نباید خللی در وظیفه اخلاقی خیررسانی ما ایجاد کند.

در غالب آثار ژيژک که در موارد متعددی به مسئولیت اجتماعی پرداخته است، وی نه تنها از خیرخواهی و کنش‌های خیریه‌ای دفاع نمی‌کند، بلکه در یک رویکرد تهاجمی، این قبیل کنش‌ها را آماج حملات خود قرار می‌دهد. با این حال دفاع نکردن ژيژک از فعالیت‌های دیگرخواهانه به این معنی نیست که وی از خودخواهی دفاع می‌کند. در تحلیل اندیشه ژيژک می‌توان خودخواهی را به مفاهیمی نظیر سیاست‌زوده‌شدن، برون‌سپاری و... ارجاع داد. یعنی خودخواهی شهروندان و مسئولیت‌گریزی اجتماعی آنان مترادف است با پرهیز از درگیرشدگی مدنی، سیاست‌زدایی، فقط با پرداخت مقداری پول به مؤسسات خیریه و کارزارهای اجتماعی خیال خود را راحت کردن و... است که با این نوع برون‌سپاری، این تشکلهای خلاء موجود را پر می‌کنند و دیگر نیازی به پذیرش مسئولیت اجتماعی کنشگری سیاسی و درگیرشدگی مدنی شهروندان نیست و می‌توانند با خیالی آسوده به امور شخصی و فردی خود برسند.

مواجهه نظری با نوع دوستی و اخلاق دیگرخواهی

مسئولیت اخلاقی اولویت دادن به منافع جمعی و مصالح اجتماعی بر منافع شخصی، مترادف با فداکاری و دیگرخواهی است. از نظر دورکیم این دست رفتارها «هر چه باشد همیشه خصلتی اخلاقی دارد چون لازمه‌اش این است که نوعی روحیه ایثار و ازخودگذشتگی در کار باشد» (دورکیم، ۱۳۸۴: ۱۱). وی بین کنش اخلاقی، فداکاری، فراروی از غرایز خودخواهانه و به دیگران اندیشیدن نوعی رابطه و نسبت برقرار می‌کند. از نظر دورکیم مسئولیت اخلاقی که در عصر ما سرچشمه و منشأ همبستگی اجتماعی است و از الزامات حیات اجتماعی محسوب می‌شود، دربرگیرنده «همه آن چیزهایی است که بشر را به ضرورت زندگی با دیگری و به حساب آوردن وجود او و او می‌دارد و سبب می‌شود تا وی حرکات خویش را بر پایه‌ای جز انگیزه‌های خودپرستانه تنظیم کند و هر وقت این گونه پیوندها بیشتر و نیرومندتر باشد، اخلاقیات استوارتر است» (دورکیم، ۱۳۸۴: ۳۵۳).

سینگر جنبش دیگر دوستی مؤثر را «هم به منزله نوع پیشرفت در رفتار اخلاق مدار است و هم نشانگر پیشرفت در کاربرد عملی استعداد عقلانی ما» می‌داند (سینگر، ۱۴۰۰: ۲۱۹). «زندگی برطبق دیگر دوستی مؤثر نوعی شکوفایی هسته مرکزی هویت انسانی است» (همان، ۸۶). رساندن بیشترین خیر که می‌توان به دیگران رساند، سبب تعالی خود فرد می‌شود این بهترین نتیجه برای همه خواهد بود. نکته دیگر اینکه اغلب دیدن چهره خود فرد کمک‌گیرنده و

شادی‌ای که در چشمان وی برق می‌زند بر فرد کمک‌دهنده و خیر تأثیر می‌گذارد. پس تکلیف فقرا و نیازمندیانی که در دیدرس و در دسترس ما نیستند، چه می‌شود؟ رنگ پوست، نژاد، قومیت، مرزهای جغرافیایی و غیره نباید مانعی بر سر راه دیگر دوستی مؤثر باشد. دیگر دوستی مؤثر، رنج انسان‌هایی را که در کشور دیگری زندگی می‌کنند یا نژادی دیگر یا دینی دیگر دارند، پر اهمیت و مهم می‌شمارد.

ژیزک گرچه در رویکرد تهاجمی خود تمام مناسبات خیرخواهانه و کنش‌های نیکوکارانه را از دم تیغ می‌گذراند، با این حال نسبت به سرنوشت سیه‌رزوان و بیچارگان جهان بی‌تفاوت نیست و این مطرودین اجتماعی را ثمره مناسبات و روابط سرمایه‌داری می‌داند. «استثنای امروز یعنی بی‌خانمان‌ها، زاغه‌نشین‌ها، بیکاران همیشگی و... نشانگان نظام فراگیر سرمایه‌داری متأخر هستند که به طور مستمر منطق عام کار سرمایه‌داری را به ما یادآوری می‌کنند» (ژیزک، ۱۹۹۹: ۱۲۷).

مواجهه نظری و عملی با فقر و فقرا

با طرح مسئله "کمک به فقرا یا حل مسئله فقر" می‌توان دو نگاه و رویکرد را از هم تفکیک کرد: فقیرنوازی و فقرزدایی. در آثار مورد بررسی از دورکیم، موارد مشخصی که به حوزه فقر و فقیران اختصاص داده شده باشد، اندک است. اما این به معنی بی‌توجهی این متفکر به تهی‌دستان نیست. برای نمونه وی فراروی از خودخواهی و پامال کردن امیال غریزی خودخواهانه و تحقق «از خودگذشتگی» را لازم می‌داند. «ما قادر نیستیم بدون ایجاد شکاف در درونمان و بدون زیرپا گذاشتن غرایز و تمایلاتی که عمیق‌ترین ریشه‌ها را در جسممان دارند، آن اهداف اخلاقی را دنبال کنیم. هیچ کنش اخلاقی وجود ندارد که حاکی از نوعی قربانی کردن یا از خودگذشتگی^۱ نباشد» (دورکیم، ۱۳۷۷: ۱۴۷). همچنین وی به عنوان یک سوسیالیست (سوسیالیسم نوع خودش یا سوسیالیسم دورکیمی^۲)، ترحم، نیکوکاری و همدری با تهی‌دستان و رنج‌دیدگان را مهم می‌داند. گرچه این نوع فعالیت‌ها را از عناصر فرعی و نه اصلی سوسیالیسم بر می‌شمارد و برای آن شأن "مکمل" و نه "سازنده" قائل است.

1. Sacrifice

۲. ریمون آرون می‌گوید: به نظر من طبق تعریفی که دورکیم خودش از سوسیالیسم می‌دهد، او یک سوسیالیست حقیقی است. (آرون، ۱۳۹۰: ۴۲۵) در اهمیت سوسیالیست‌بودن دورکیم و الهام‌بخشی اندیشه وی برای کنشگران سیاسی، روشنفکران و برابری‌خواهان عصر خود، نیز باید گفت که در سال‌های پایانی قرن نوزدهم و ابتدایی قرن بیستم فهم دورکیمی از سوسیالیسم از مهم‌ترین عناصر اندیشه سیاسی اجتماعی در فرانسه و خاصه در میان روشنفکران چپ بود.

سینگر فقر جهانی و نیز لزوم «کمک به فقیرترین انسان‌های دنیا» (سینگر، ۱۴۰۰: ۱۵۱) را مرتباً یادآوری کرده است. همچنین در "زندگی‌ای که می‌توانی نجات دهی"^۱ (۲۰۱۹) این پرسش را مطرح می‌کند: برای کمک به دیگران باید چکار کنیم؟ وی از استدلال‌های اخلاقی، آزمایش‌های ذهنی تحریک‌آمیز، نمونه‌ها و مثال‌های روشن و مطالعات موردی در زمینه کمک‌های خیریه استفاده می‌کند تا نشان دهد که واکنش کنونی ما به فقر در جهان نه تنها کافی نیست، بلکه از نظر اخلاقی نیز قابل دفاع نیست. اگر بخواهیم به یک پنجم جمعیت جهان (فقر و نیازمندان) پشت نکنیم، باید بخشی از راه حل باشیم. سینگر این استدلال را ارائه می‌کند که اهدا و بخشش، تغییرات بزرگی در زندگی دیگران ایجاد می‌کند، بدون آنکه کیفیت زندگی ما کاهش یابد. ژیزک اقدامات خیرخواهانه با هدف فقیرنوازی را فعالیت‌هایی سیاست‌زدوده تلقی می‌کند که بدون به چالش کشیدن نظم موجود، فقط به گذران زندگی و بقای روزمره فقرا می‌انجامد. «اما حرکت اساساً سیاست‌زدایانه‌ای که در اینجا انجام می‌شود این است که گفتمان درباره فقر با تلاش برای حل علائم و نه علت، باعث می‌شود فقر تداوم یابد؛ درمان خودش به بخشی از بیماری تبدیل می‌شود چون به جای ناممکن کردن نابرابری فقط تلاش می‌کند تهی‌دستان را زنده نگه دارد و به آن‌ها امکان بقا دهد» (ژیزک، ۲۰۰۹). از نظر وی فقرا همان کسانی هستند که در معرض آپارتاید اجتماعی و طرد از جامعه هستند: «ظهور آپارتاید‌های اجتماعی جدید و روش‌های نوین طرد اجتماعی نظیر زاغه‌نشینی‌های شهری، کار غیرقانونی مهاجران و مواردی از این دست» (ژیزک، ۲۰۰۸: ۴۲۹-۴۲۸).

اهمیت و ضرورت عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی موضوعی است که کمتر فیلسوف، اندیشمند، جامعه‌شناس، سیاست‌گزار و... هست که به آن نیاندیشیده باشد و در باب آن (چه دفاع و چه فروکاستن و بی‌اهمیت قلمداد کردن) اندیشه‌ای را ارائه نکرده باشد.

دورکیم در کتاب "درباره تقسیم‌کار اجتماعی"، از فردگرایی اخلاقی با عنوان «کیش فرد»^۲ یاد کرده است، این نوع فردگرایی را به معنی همدردی با همه آنچه انسانی است، دلسوزی بیشتری برای همه آلام و بدبختی‌های بشری، شوق بیشتر برای مبارزه با آن‌ها و کاهش آن‌ها و انگیزه بیشتر

1. The life you can save
2. Cult of the individual

برای تحقق "عدالت اجتماعی" تلقی کرده است. به نظر دورکیم مفهوم فردگرایی اخلاقی دربردارنده ارزش‌های والایی است که «به طور انتزاعی بر شأن و ارزش فرد تأکید می‌کند و افراد آن را درباره خود و دیگران به کار می‌برند و به این سبب به احساسات و نیازهای دیگران و خود حساس‌تر می‌شوند» (گیدنز، ۱۳۹۸: ۱۱۴). دورکیم درباره لزوم خیرخواهی فرد و احسان نسبت به هم‌نوعان خود و گذار از نابرابری فیزیکی به برابری اخلاقی، می‌گوید: «خیرخواهی و احسان حس‌همدردی انسانی است که تا چنان که شایسته شخص است به رهایی حتی از این احترامات نابرابر اخیر، انکار این آخرین شکل انتقال و موروثی، ذهنی و روانی دست یابد. پس این نیست مگر اوج عدالت. این جامعه است که بر طبیعت کاملاً مسلط می‌شود، برای آن قانون می‌سازد و این برابری اخلاقی را به جای نابرابری فیزیکی که در واقع چیزها وجود دارد، قرار می‌دهد (دورکیم، ۱۳۹۱: ۳۲۶ و ۳۲۵). و «عدالت سرشار از نوع دوستی است» (دورکیم، ۱۳۸۴: ۱۱۲).

از نظر سینگر امرخیر و نیکوکاری و کنش‌های دیگر دوستانه ارزش هم‌سنگ ندارند و ما وظیفه داریم به اهداف خیرخواهانه‌ای کمک کنیم که به صورتی مؤثر و اثربخش، بیشترین و نهایی‌ترین خیر ممکن را در جهت تحقق عدالت و برابری می‌رسانند (خیرحداکثری). از نظر دیگر دوستان مؤثر «ارزش‌هایی مانند آزادی، عدالت و برابری، دانش به خودی خود مطلوب نیستند، بلکه در نظر آن‌ها به جهت تأثیر مثبتی که بر روی رفاه اجتماعی و بهبود زندگی می‌گذارند خواستنی هستند» (سینگر، ۱۴۰۰: ۱۸۴ و ۴۹). و ارزشمندی برابری «برای ذات برابری نیست، بلکه به سبب نتایج آن است» (سینگر، ۱۴۰۰: ۹۱).

ژبژک برای تحقق عدالت اجتماعی نسبت میان دو حوزه و عرصه درهم تنیده اقتصاد و سیاست و به تعبیری اقتصاد سیاسی را مهم تلقی کرده است. وی با انگشت تأکید گذاشتن بر بازسیاسی‌سازی اقتصاد^۱ آن را به عنوان ظرفیتی رهایی‌بخش و عدالت‌خواهانه مورد تأکید قرار داده است. «فقط با بازسیاسی‌سازی اقتصاد است که مسائل نابرابری جهانی را می‌توان به صورت مؤثری پاسخ داد و فقط با کمک چنین بازسیاسی‌سازی است که می‌توان به شکل اثرگذاری به مسائل محلی‌گرایی، حقوق گروه‌های غیر معمول، نابرابری‌های جنسیتی، آسیب‌های زیست‌محیطی و نژادپرستی رسیدگی کنیم» (ژبژک، ۱۹۹۹: ۳۵۵-۳۵۳). هدف نهایی ما سیاسی‌سازی اقتصاد و نهاد عدالت به شدت برابری‌خواهانه است (ژبژک، ۲۰۰۸: ۴۶۱). و در تلازم آزادی و

برابری می‌گوید: «آزادی نمی‌تواند بدون برابری به دست آید و برابری بدون آزادی وجود ندارد» (دوزیناس^۱ و ژیتک، ۲۰۱۰: ۸).

همراهی و همدلی با امور خیریه و خیریه‌گرایی به مثابه نمودهای عینی مسئولیت اجتماعی

میزان همراهی و همدلی دورکیم به عنوان یک سوسیالیست و اندیشمند حساس نسبت به حیات اجتماعی انسان‌های قرار گرفته در معرض نابرابری و تبعیض، تا کجاست؟ وی معتقد است: «احساس برادری و خیرخواهی و خیریه‌گرایی برای سوسیالیسم مدرن فقط امر ثانوی است. آن را کامل می‌کند اما آن را نمی‌سازد» (دورکیم، ۲۰۰۹: ۳۶ به نقل از ذاکری، ۲۰۰۹: ۱۴۰۰). بنابراین به نظر می‌رسد همدلی دورکیم با نیکوکاری (خیریه‌گرایی) بیشتر به مثابه یک ایده یا روحی فراگیر در جامعه است که به کمک آن بتوان در مبارزه‌ای تمام عیار علیه انواع نابرابری‌های اجتماعی شرکت جست و بر شرایط نابرابر خارجی غلبه کرد. به بیان دیگر، داشتن روحیه دیگرخواهانه، یکی از شروط شرکت در مبارزه علیه نابرابری است. (دورکیم، ۲۰۰۹: ۳۶ به نقل از ذاکری، ۲۰۱۰: ۳۰۰ و ۳۰۱). به تعبیری همراهی، همدلی و حمایت دورکیم از امور خیریه، یک همدلی و حمایت مشروط و انتقادی و اخلاقی است.

از نکات برجسته اندیشه سینگر و جنبش دیگر دوستی مؤثر که شاید بتوان آن را نشان و امضای این جنبش دانست، تفکیک و تمایز دو نوع فعالیت نیکوکارانه و کنش‌های خیرخواهانه است؛ یعنی نیکوکاری عاطفی و احساساتی در مقابل نیکوکاری عقلانی و منطقی و محاسباتی. سینگر استدلال می‌کند که دگردوستان مؤثر معمولاً «بیشتر با استدلال و عقلانیت پیش می‌روند تا با هیجانات» (سینگر، ۲۰۰۹: ۱۴۰). نباید بپرسیم فوری‌ترین یا با اهمیت‌ترین هدف کدام است بلکه باید پرسید من کجا می‌توانم بیشترین تأثیر مثبت را بگذارم (سینگر، ۲۰۰۹: ۱۵۷). دگردوستان مؤثر به خیریه‌هایی یاری می‌رساند که به جای منقلب کردن هیجانات نیکوکاران توانایی این را دارند که نشان دهند از کمک برای نجات جان آدم‌ها و تقلیل رنج با مؤثرترین و کم هزینه‌ترین روش‌ها بهره می‌جویند (سینگر، ۲۰۰۹: ۱۱۵).

در منطق دیگر دوستی مؤثر ما می‌اندیشیم که کمک ما چگونه بیشترین خیر را به جامعه خواهد رساند. به شکلی که حتی با مبالغ خرد، بتوانیم تأثیر زیادی بگذاریم. «حتی اگر وقتی

1. Douzinas

نیکوکاران را تشویق می‌کنیم که به جای کمک به جایی که تمایلی اولیه برای آن دارند، به جایی کمک کنند که بیشترین خیر را می‌رساند، باعث شود که عملاً به میزان کمتری کمک کنند، نتیجه همچنان می‌تواند بهتر باشد.» (سینگر، ۱۴۰۰: ۱۸۴). در اینجاست که وی تشکیلاتی موسوم به «فراخیریه»^۱ را مطرح می‌کند: «فراخیریه مؤسسه‌هایی هستند که دیگر خیریه‌ها را ارزیابی می‌کنند» (سینگر، ۱۴۰۰: ۱۸۵). سینگر از مؤسساتی نظیر «سنجیده بخشش»^۲ و «بی واسطه بخش»^۳ به عنوان دو فراخیریه نام می‌برد که با محاسبات ریاضی به مخاطب می‌گویند که چقدر از درآمد و دارایی‌اش را می‌تواند صرف امور خیر کند و نیز اینکه برای اهدا و کمک، با رتبه‌بندی خیریه‌ها، مناسب‌ترین و مؤثرترین خیریه‌ها در جهان را معرفی می‌کنند.

ژیتک با نگاه سراسر منفی‌نگر و رویکرد تهاجمی خود به خیریه‌ها، با نقد پیام‌ها و فراخوان‌ها و تبلیغاتی که قصد دارند با تحریک هیجانات و عواطف و احساسات انسان‌ها، آن‌ها را به امور خیریه دعوت کنند، این گونه پیام‌ها و دعوت‌ها را پیام‌آور امتناع از تفکر، سیاست‌زدایی و سیاست‌گریزی و پرهیز از کنش‌گرایی سیاسی و درگیر نشدن با علل بنیادین و هسته مرکزی ساختار مولد فقر می‌داند. برای نمونه: «هنگامی که صحنه‌هایی از کودکان گرسنه در آفریقا را نشان می‌دهند و از ما می‌خواهد که برای کمک به آنان کاری کنیم پیام ایدئولوژیک اصلی چیزی شبیه به این است که: فکر نکن، سیاست ورزی نکن، علل واقعی فقر آنان را فراموش کن، تنها کمک کن، پول بده. با این کار دیگر نیازی به فکر کردن نیست (ژیتک، ۲۰۱۱: ۴). ضمن اینکه بسیاری از خیران و چهره‌های خیر و نیز مؤسسات خیریه کارشان در درجه اول گرفتن از مردم و سپس دادن آن به فقرا است. به تعبیری «برای دادن، شما اول باید بگیرید» (ژیتک، ۲۰۰۸: ۲۰). لذا ژیتک نه تنها با خیریه و خیریه‌گرایی هم‌آوایی و همراهی ندارد بلکه این قبیل کنشگری‌ها را به سیاست ورزی نکردن، فکر نکردن، فراموش کردن علل واقعی فقر تهی‌دستان و فقط کمک پولی کردن و... ارجاع می‌دهد.

سویه‌های منفی امور خیریه و خیریه‌گرایی

نقد دورکیم بر سویه‌های منفی خیریه و خیریه‌گرایی به خاطر ناتوانی آن در تجدید سازمان و بازآرایی مناسبات جامعه، تداوم و تقویت شرایط کنونی و التیام‌بخشی موقت و کوتاه مدت و چه بسا تخدیری به دردهای اجتماعی و اقتصادی، در جای خود قابل تأمل است. آنجا که می‌گوید:

1. meta charity
2. give well
3. give directly

«سوسیالیسم ذاتاً نهضتی سازمان‌دهنده است اما خیریه هیچ چیز را سازماندهی نمی‌کند. بلکه وضع موجود را حفظ می‌کند. خیریه فقط می‌تواند آلام فردی حاصل از فقدان سازماندهی را تسکین دهد» (دورکیم، ۲۰۰۹: ۱۵ به نقل از ذاکری، ۲۹۹:۱۴۰۰).

نگاه سراسر مثبت، خوشبین و امیدبخش سینگر باعث نمی‌شود که نقایص و سوبه‌های منفی خیریه‌ها را کتمان کند. با این حال نقد خفیف وی با رویکردی ریاضیاتی، محاسباتی و سنجش‌گرانه به خیریه و خیریه‌گرایی همراه است. وی با محاسبه نشان می‌دهد که برخی مؤسسات خیریه چگونه باعث اتلاف منابع مالی می‌شوند و از وجوه جمع‌آوری‌شده، مبلغی بسیار کمتر از حد تصور، صرف کمک به نیازمندان و جامعه هدف می‌کنند. «برای نمونه صندوق خیریه کودکان^۱ مؤسسه‌ای کوچک در ایالت فلوریدا است که ۸۴ درصد درآمدش را خرج فعالیت‌های مربوط به جمع‌آوری کمک‌ها، حدود ۱۰ درصد آن را خرج اداره مؤسسه می‌کند؛ یعنی تنها حدود ۶.۱ درصد از درآمدش را خرج برنامه‌های خیریه می‌کند» (سینگر، ۱۸۷:۱۴۰۰). این یعنی اهداء کنندگان حواسشان باشد که فقط به مؤثرترین خیریه‌ها کمک کنند.

از نظر ژیتک کنش‌های اقتصادی خیریه‌ای اعم از کمک‌کردن، دستگیری از فقرا، توزیع کالا میان تهی‌دستان و... بخش‌های جدایی‌ناپذیر از نظام سرمایه‌داری و به تعبیری بازی‌های نظام سرمایه‌داری متأخر هستند. به باور وی این گونه اقدامات و فعالیت‌ها «نقطه منطقی نهایی گردش سرمایه‌داری است که از یک موضع به شدت اقتصادی کاملاً لازم است؛ چون به نظام سرمایه‌داری این امکان را می‌دهد که بحران را به تعویق بیاورد ... این تناقض نشان‌دهنده سیه‌روزی اندوهناک ماست. سرمایه‌داری امروز نمی‌تواند خودش خودش را بازتولید کند و برای نگهداشت چرخه بازتولید اجتماعی نیازمند خیریه‌گرایی فرا-اقتصادی است» (ژیتک، ۲۰۰۸: ۳۷۴، ژیتک، ۲۰۱۰: ۲۴۲، ژیتک، ۲۰۰۸: ۲۴-۲۳). ژیتک در نقد کنشگری بدون لندیشه و فقدان چشم‌انداز نظری در سازمان‌های خیریه و امدادی می‌گوید: «یک فشار بنیادی ضد نظری در این فرامین شتابزده وجود دارد: فرصتی برای فکر کردن نیست، ما باید حالا دست به اقدام بزنیم» (ژیتک، ۲۰۰۸: ۶۶).

ترغیب شهروندان به مشارکت در امور خیریه (تجویز یا امتناع)

در اندیشه دورکیم جامعه جدید (مبتنی بر همبستگی ارگانیکی) نیازمند تجدید سازمان و تغییر آرایش اقتصاد و اجتماعی شدن اقتصاد (و نه دولتی‌شدن) آن است. لذا «هرگونه ایده نیکوکاری،

1. Children's Charity Fund

ترویج مسئولیت خیر و خیریه‌گرایی در پس پشت سازماندهی مجدد جامعه لازم است، اما به تنهایی و بدون قرار گرفتن در کنار ایده‌های سوسیالیستی سازماندهی مجدد جامعه برای عادلانه‌تر شدن حیات اجتماعی کافی نیست و نمی‌تواند مولد همبستگی اجتماعی زیادی شود. بنابراین خیریه‌گرایی فقط به مثابه آرمانی اخلاقی در جهت سازماندهی مجدد حیات اجتماعی به سمت عدالت و برابری مورد قبول دورکیم قرار می‌گیرد (ذاکری، ۱۴۰۰: ۳۰۰). در واقع خیریه و خیریه‌گرایی برای تحقق سوسیالیسم و عدالت اجتماعی، شرط لازم است ولی کافی نیست. معطوف کردن اهداف به آن و توقف کردن در آن را نه تنها تجویز و توصیه نمی‌کند بلکه نقد هم می‌کند.

سینگر در «قحطی، وفور و اخلاق»^۱ (۱۹۷۲ و ۲۱۰۵) استدلال کرده است با توجه به درد و رنج فراوانی که هنگام قحطی و مصیبت‌های دیگر روی می‌دهد ما اخلاقاً موظف هستیم درصد بزرگی از درآمد و دارایی‌مان را به مؤسسات خیریه و یاری‌دهنده اهدا کنیم. اما اینکه چه مقدار کمک کنیم، تحلیل سینگر این است که هیچ سقف و محدوده‌ای متصور نیست تا جایی که «به مطلوبیت حاشیه‌ای^۲ برسیم^۳. همچنین ایده دگر دوستی مؤثر یک هدف کمی و یک هدف کیفی دارد. هدف کمی این جنبش این است که به دنبال این است که تعداد بیشتری از افراد را به امور خیر تشویق و ترغیب کند و هدف کیفی آن این است که آن‌ها را به گونه‌ای اقناع کند که کمک‌های خیریه‌ای‌شان را برای بهترین و اثربخش‌ترین کارهای خیر و مؤثرترین بنیادهای نیکوکاری اهدا کنند.

در دستگاه فکری ژیک مشارکت در کنش‌های خیرخواهانه و تلاش‌های با رویکرد نیکوکارانه، شاید علی‌الظاهر در جهت کمک به تهی‌دستان و رفع نیاز از ایشان باشد، اما در نهایت به بهگشت نظم سیاسی مستقر و موجود و بقا و دوام آن کمک می‌کند. وی در نقد کارهای کوچک از قبیل کمک کردن به سیاه‌پوستان آفریقا و دیگر نیازمندان در سراسر جهان می‌گوید: «این که کاری نکنیم بهتر از این است که درگیر کارهای محلی شده‌ای شویم که کارکرد نهایی آن روان‌تر شدن کار نظام است... مردم پیوسته دارند مداخله می‌کنند و می‌گویند «کاری کنید»... کار واقعاً دشوار این است که عقب بنشینیم و یا پاپس بکشیم» (ژیک، ۲۰۰۸: ۲۱۷). و شهروندان را به عدم مشارکت در این طراحی و ساختار دعوت می‌کند. «بهتر است اصلاً کاری نکنیم تا اینکه بخواهیم

1. Famine, Affluence, and Morality

2. Marginal utility

۳. منظور سینگر از مطلوبیت حاشیه‌ای یعنی آن حدی است که اگر بیشتر کمک برسانیم به همان اندازه خود و خانواده‌مان متضرر می‌شویم که دریافت کننده کمک نفعی می‌برد.

در تولید نظم کنونی همکاری کنیم» (ژیژک، ۲۰۱۰: ۳۹۹). لذا وی امتناع از فعالیت و پرهیز از کنشگرایی خیریه‌ای را در دستور کار قرار می‌دهد چرا که این دست فعالیت‌ها فقط به روان‌کاری و پیش‌برد برنامه‌های نظام سرمایه‌داری می‌انجامد بدون اینکه سرنوشت فقرا و تهی‌دستان تغییر جدی پیدا کند.

نسبت امور خیریه و خیریه‌گرایی با نهاد سیاست و قدرت

در منظومه فکری دورکیم، نهاد سیاست و قدرت لحاظ شده است. خاصه آنجا که برای مبارزه با نابرابری‌های اجتماعی و تحقق سوسیالیسم خاص خودش، از نهادهای مدنی واسط و میانجی میان دولت قاهر و فرد تنها سخن می‌گوید. یعنی خلاء و فضای حائل میان دولت و فرد توسط انجمن‌های مدنی پر می‌شود. بدین ترتیب از فشار و صدمات وارده از سوی دولت به فرد، جلوگیری می‌شود.

سینگر می‌گوید: معمولاً گفته می‌شود که جنبش دیگر دوستی مؤثر فاقد رویکرد سیاسی است و نه با با علل فقر شدید، بلکه با نشانه‌های آن سروکار دارد. در حالی که دیگر دوستی مؤثر در مورد اینکه چه استراتژی‌هایی ارزش دنبال کردن دارند تا جهان به جای بهتری تبدیل شود، دارای ذهنی باز^۱ است (سینگر، ۲۰۱۶). اما واقعیت این است که در رویکرد سینگر به فعالیت‌های اجتماعی و خیرخواهانه، سیاست و نهاد قدرت چندان برجسته نشده است. در تمام اقدامات دیگر دوستان مؤثر اشارات قابل توجهی از سیاست و دولت و قدرت به میان نمی‌آید. به تعبیری به ساختارهای سیاسی، روابط اقتصادی-سیاسی، مناسبات تحکیم‌کننده نهاد قدرت و... نه نقدی وارد می‌شود و نه به چالش کشیده می‌شود. گویی نهاد قدرت و سیاست و کارگزاران آن نه نقشی در ایجاد فقر و نابرابری دارد و نه مسئولیت اجتماعی و رفاهی‌ای در قبال شهروندان خود دارند.

ژیژک هرگونه کنش مدنی و اجتماعی و از جمله اقدامات امدادی و خیریه‌ای را در نسبت با نظام سیاسی و نهاد قدرت تحلیل می‌کند. از نظر وی سیاست‌زدایی آفت بزرگی است که گریبان‌گیر اقدامات خیرخواهانه شده است. ژیزک با ارجاع به اسکار وایلد^۲ (نمایش‌نامه‌نویس ایرلندی ۱۹۰۰-۱۸۵۴م) می‌گوید: «بدترین برده‌داران آن‌هایی بودند که با بردگان «مهربان» بودند چون با این «نقاب نیکوکاری» که به صورت می‌زدند، پدیده برده‌داری را «امری عقلانی»

1. Open-mind
2. Oscar Wilde

جلوه می‌دادند و با این کارشان از سیاسی‌شدن بردگان جلوگیری می‌کردند و بدین ترتیب بقا و تداوم حیات نهاد برده‌داری را موجب می‌شدند» (ژیژک، ۲۰۰۹). وی با تفکیک میان خشونت آشکار (ساده و رؤیت‌پذیر) و خشونت پنهان (ساختاری، چندلایه)، اقدامات خیره‌گرایانه را این‌گونه تفسیر می‌کند: «آن‌ها در نهایت تلاش می‌کنند فقط خشونت آشکارتر و «فردی» را که در شکل فقر، فساد و نقض حقوق فردی نمایان می‌شود، را حل کنند و خشونت «عینی» یا ساختاری کمتر آشکار، پیچیده‌تر و ساکن‌تر و نابرابری اجتماعی، انحصار شرکتی، شرایط کاری غیرانسانی، نابرابری مالکیت زمین، یا تبعیض جنسیتی را رها می‌کنند» (ژیژک، ۲۰۰۶: ۱۰).

راه حل پیشنهادی برای بهبود اوضاع و برون‌رفت از وضع موجود

راهکار پیشنهادی دورکیم برای بهبود اوضاع و برون‌رفت از وضع موجود شامل یک راهکار اخلاقی و یک راهکار سیاسی اجتماعی می‌باشد. در اندیشه دورکیم اگر انسان خواسته باشد یک موجود اخلاقی و والا باشد، می‌بایست در یک مسیر استعلایی، خود را وقف امور و فعالیت‌هایی غیر از خودش کرده و بدین سان خود را با جامعه یکی ببیند (گذار از منافع فردی به مصالح اجتماعی). این فردگرایی استعلایی، برخوردار از چارچوب و قالبی مذهبی است و معنایی مقدس پیدا می‌کند. در تقسیم‌بندی ذاکری از ادوار فکری دورکیم، در دوره سوم حیات فکری وی، مشخصاً در دوره تدوین کتاب "صور بنیانی حیات دینی"، راهکار دورکیم برای برون‌رفت از وضعیت موجود «تولد اخلاقیات جمعی است که پشتوانه‌ای مقدس دارد و می‌تواند خودخواهی‌های فردی را مهار کند و همبستگی اجتماعی را شکل دهد» (ذاکری، ۱۴۰۰: ۲۹۷). همچنین به عقیده دورکیم، سوسیالیسم به عنوان حرکتی فکری در تاریخ، اساساً واکنشی نسبت به هرج و مرج اقتصادی است. هدف سوسیالیسم این است که وظایف امروزه پراکنده در جامعه را تحت خودآگاهی روشن قرار دهد (آرون، ۱۳۹۰: ۴۳۲). سوسیالیسمی که دورکیمی به دنبال آن است گروه‌ها، انجمن‌ها و سازمان‌های میانجی و واسطی میان فرد و دولت به وجود دارند که هم اقتدار اخلاقی داشته باشند (مانند خانواده، ولی خیلی به فرد نزدیک نباشد) و هم اقتدار اجتماعی داشته باشند (مانند دولت ولی خیلی از فرد دور نباشد). لذا بنیان اصلی سوسیالیسم دورکیمی "سازمان" است و نه مبارزه طبقاتی و هدف سوسیالیسم وی ایجاد گروه‌های حرفه‌ای و نهادهای مدنی واسط و میانجی است و نه تغییر مقام مالکیت (مسلط کردن دولت بر اقتصاد).

مهم‌ترین راهکارها و پیشنهادها سینگر (۱۴۰۰) و جنبش دیگر دوستی مؤثر برای بهبود وضعیت اکنون عبارتند از: ۱) ساده‌زیستی و بخشش قسمت بزرگی از درآمد ماهیانه یا سالانه

(بیش از ۱۰ درصد تا یک سوم) به مؤثرترین خیریه‌ها، ۲) بخشیدن اعضایی از بدن (خون، مغزاستخوان، سلول‌های بنیادی، کلیه و...) به بیماران و نیازمندان، ۳) حضوری و اینترنتی با دیگران صحبت کردن برای رساندن ایده دیگر دوستی به گوش جهانیان، ۴) انتخاب شغل و حرفه‌ای که بیشترین درآمد را دارد نه برای نیل به زندگی اعیانی و تجملاتی، بلکه استفاده از منابع درآمدی و وجوه حاصله از این اشتغال برای رساندن بیشترین خیر ممکن به نیازمندان، و... . «آنها که با هدف بخشش درآمدزایی می‌کنند یعنی حتی بیشتر از اکثر مردم با ارزش‌های اخلاقی‌شان مانوس‌اند یکی از عقایدشان این باور اساسی است که باید طوری زندگی کنیم که بیشترین خیر را برسانیم» (سینگر، ۱۴۰۰: ۹۰). چرا که دیگر دوست کسی است که در اوقات فراغت، پول، توانمندی خود و... به بیشترین خیر ممکن می‌اندیشد.

راهکارهای پیشنهادی ژیتک: اصرار بر پیگیری یک "سیاست رادیکال" به عنوان راه علاج نظام‌های "پسامردم‌سالار" در دموکراسی‌های لیبرال. در اندیشه وی دولت‌های لیبرال مردم‌سالار در سرمایه‌داری متأخر به دلیل غلبه نخبگان پسامردم‌سالار بر آن، در غالب موارد رویکردهای غیرمترقیانه‌ای در پیش می‌گیرند. لذا سیاست رادیکال به جدا شدن از «حصارهای شهرت بازار و دولت» و بازاندیشی در خود کارکردها و شکل‌های دولت نیاز دارد (ژیتک، ۲۰۱۰: ۲۱۹ و دوزیناس و ژیتک، ۲۰۱۰، ۸). ما از یک سیاست «مقاومت» یا «اعتراض» که بند نافش به چیزی وصل است که نفی می‌کند، به سیاستی می‌رسیم که فضای جدیدی در بیرون از موقعیت هژمونیک می‌گشاید (ژیتک، ۲۰۰۶: ۳۸۲-۳۸۱). یک شکل نو از مشارکت مردمی که در آن طردشدگان حضور فعالی دارند (ژیتک، ۲۰۱۰: ۲۲۰). فضای جدیدی که برای تحرک و اقدام سیاسی و کنشگری سیاسی و سیاست‌ورزی، موقعیت‌های مناسبی را برای طردشدگان اجتماعی فراهم می‌کند و کمک می‌کند که این طردشدگان از موقعیت حاشیه‌نشینی خارج شده و در جایگاه کنشگر و بازیگر قرار بگیرند. «آرمانشهری که وی آن را به تصویر می‌کشد مبتنی بر یک سیاست است که از درون انسدادهای واقعی/ تاریخی در بطن سرمایه‌داری نولیبرال برمی‌آید» (ژیتک، ۲۰۱۰: ۲۱۲-۲۱۱). با توجه به مفهوم سیاست رادیکال، راه حل نهایی ژیتک یک راه‌حل تند، کمونیستی و انقلابی است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در تحلیل نهایی از بررسی تطبیقی و مقایسه‌ای مسئولیت اجتماعی (خیرخواهی، نوع‌دوستی و دیگرخواهی) در منظومه فکری سه متفکر منتخب یعنی امیل دورکیم، پیتر سینگر و اسلاوی ژیژک، این پژوهش نتایج زیر را نشان داد:

در مورد جایگاه مسئولیت اجتماعی در منظومه فکری دورکیم باید گفت برای چندین دهه، با هجرت اندیشه جامعه‌شناختی از اروپا به آمریکا، اندیشه دورکیم تحت تأثیر تفسیر و قرائت پارسونزی از آن، در شکلی محافظه‌کارانه (در بهترین حالت لیبرال محافظه‌کار) و طرفدار حفظ وضع موجود و در پی تقویت "نظم" جاری تحلیل و ارائه می‌شود. در حالی که سویه‌های برابری‌خواهانه، اصلاحی و "تغییر" وضعیت موجود و در یک کلام اندیشه‌ها سوسیالیستی (سوسیالیسم انجمنی، مدنی، تعاونی با محوریت نهادهای میانجی و واسط میان دولت و فرد) و اجتماعی‌شدن اقتصاد در اندیشه و منظومه فکری وی جایگاه مهمی داشته است. موضع دورکیم در حوزه مسئولیت اجتماعی خیرخواهی و نوع‌دوستی، موضع یک همراه و همدل مشروط و منتقد است. خیریه را به عنوان یک آرمان اخلاقی تا آنجا تأیید می‌کند که در مبارزه علیه نابرابری و تحقق سوسیالیسم و عدالت اجتماعی مشارکت داشته باشد.

در مورد جایگاه مسئولیت اجتماعی در منظومه فکری سینگر باید گفت که وجه مثبت کار سینگر اینجاست که با نگاه عقلانی و بدون تحریک‌کردن هیجانات شهروندان، از آنان می‌خواهد نسبت به فقر جهانی بی‌تفاوت نباشند. اما دو نقد اساسی به اندیشه خیرخواهانه سینگر وارد است: (۱) اندیشه سینگر در جهان شمال (در یک جامعه مرفه غربی) قابل اجراست. جایی که شهروندان در یک اقتصاد فراصنعتی و دانش‌بنیان، با حداقل تورم و نوسانات اقتصادی، با سطح بالایی از درآمد می‌توانند دست به خیر باشند (ارسال کمک برای نیازمندان آفریقایی). اما سخت بتوان تصور کرد که اندیشه سینگر در کشوری نظیر ایران (با وجود تورم بلندمدت نزدیک به ۵۰ درصد، رشد جمعیت زیرخط فقر، آینده اقتصادی نامطمئن و...) قابل اجرا باشد. دل‌نگرانی نسبت به آینده امکان‌چندانی برای "رساندن بیشترین خیر ممکن" باقی نمی‌گذارد؛ (۲) سینگر در معادلات خیرخواهانه و کنش‌ورزی‌های خود نهاد دولت را کنار گذاشته و به نوعی عقب‌نشینی دولت از حوزه مسئولیت‌هایی اجتماعی را توجیه می‌کند. در واقع روی دوم سکه فعالیت‌ها و کارزارهای خیرخواهانه، عقب‌نشینی دولت از کارکردهای اجتماعی (آموزش، بهداشت، مسکن، تأمین اجتماعی، اشتغال شهروندان و...) است. تشویق مشارکت شهروندان در امور خیریه مترادف است با

عقب‌نشینی دولت از کارکردهای رفاهی و معیشتی خود در قبال شهروندان. لذا در برابر پرسش: دولت کجای کار قرار دارد؟ پاسخ قانع‌کننده‌ای از منظومه فکری وی بیرون نمی‌آید.

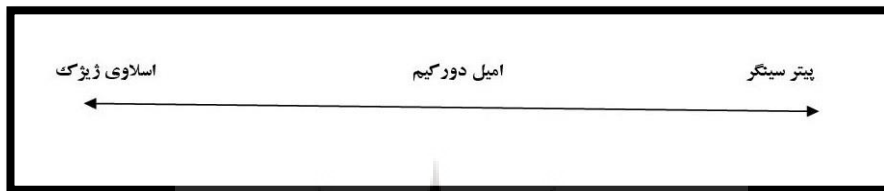
در مورد جایگاه مسئولیت اجتماعی در منظومه فکری ژبژک باید گفت که جنبه مثبت کار ژبژک این است که نسبت به «برون‌سپاری» فعالیت‌های مدنی و کنش‌های خیرخواهانه، سیاست‌زدایی از فعالیت‌های خیریه، سیاست‌زدوده‌شدن کنش‌های نیکوکارانه، غیبت و عقب‌گرد دولت از کارکردهای رفاهی و مسئولیت‌های اجتماعی خود و... هشدار می‌دهد و ضمن یادآوری مسئولیت اجتماعی عالمان و متفکران اجتماعی در نقادی و به چالش کشیدن اقتصاد سیاسی و نظم سیاسی - حقوقی مستقر، مدام به شهروندان یادآوری می‌کند که فقر و تهی‌دستی و وجود مطرودین اجتماعی محصول یک نظام نابرابر و یک اقتصاد سیاسی سلطه‌گر، نابرابر، سودجو و خودخواهانه است. اما نقدی که می‌توان به منظومه فکری ژبژک وارد ساخت این است که با توجه به عواطف بشری و بی‌تفاوت نبودن ذاتی انسان‌ها نسبت به هم‌نوعان خود (غریزه نوع‌دوستی) و توصیه غالب ادیان و مذاهب و مکاتب اخلاقی به ترحم و شفقت و دستگیری از نیازمندان، نمی‌توان تا اطلاع ثانوی (پایان مبارزه کمونیستی برای سرنگونی نظام سرمایه‌داری) دست روی دست گذاشت و کاری برای فقرا و نیازمندان انجام نداد. به عبارت دیگر فقط به صرف این که این قبیل کارها بازی کردن در زمین بازی نظام سرمایه‌داری است و نباید فریب این بازی‌ها را خورد، نمی‌توان شهروندان را از مشارکت‌های خیریه بر حذر داشت. جدول ۲ چکیده نظر سه متفکر را در باب مسئولیت اجتماعی خیرخواهی و نوع‌دوستی نشان می‌دهد.

جدول ۲. چکیده نظر سه متفکر مورد بررسی در باب مسئولیت اجتماعی خیرخواهی و نوع‌دوستی

متفکر / موضوع	دورکیم	سینگر	ژبژک
چکیده نظر متفکر در باب مسئولیت اجتماعی	مسئولیت اجتماعی خیرخواهی برای تقویت همبستگی اجتماعی در جامعه و ممانعت از ذره‌ای شدن ^۱ و چندپارگی ^۲ جامعه و محقق شدن عدالت اجتماعی و مبارزه با نابرابری‌های اجتماعی لازم است.	حمایت از پذیرش مسئولیت اجتماعی خاصه در کنش‌های خیرخواهانه، دعوت از شهروندان برای کنار گذاشتن محافظه‌کاری و کمک بی‌چشمداشت به مؤثرترین نهادها، مؤسسات و پویش‌های خیریه و نیکوکاری.	مسئولیت اجتماعی یعنی کنش انقلابی و سیاست رادیکال برای دگرگونی بنیادین ساختارهای اقتصاد سیاسی نظام سرمایه‌داری، پرهیزداشتن شهروندان از هرگونه کنش خیریه‌گرایانه (زیرا این گونه اقدامات مقوم نظام سرمایه‌داری است)

1. Atomization
2. Fragmentation

اگر بررسی تطبیقی مسئولیت اجتماعی (خیرخواهی، نوعدوستی و دیگر خواهی) در منظومه فکری سه متفکر منتخب، در شکل یک پیوستار قابل بازنمایی باشد، سینگر در سمت راست این پیوستار، ژيژک نیز در سمت چپ و جایگاه دورکیم نیز در میانه پیوستار قرار می‌گیرد. (شکل ۱)



شکل ۱. جایگاه سه متفکر منتخب بر روی پیوستار مسئولیت اجتماعی خیرخواهی و نوعدوستی

در تحلیل ما دورکیم به این خاطر در میانه پیوستار قرار می‌گیرد که نه مانند سینگر مدافع تمام‌قد و هوادار ثابت‌قدم خیریه و خیریه‌گرایی است و نه مانند ژيژک هرگونه کنش خیرخواهانه و نوعدوستانه و شفقت‌ورزی انسان‌ها نسبت به شهروندان دیگر را از اساس نفی می‌کند.

منابع

آرون، ریمون (۱۳۹۰). *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

ایمان، محمدتقی (۱۳۹۷). *روش‌شناسی تحقیقات کیفی*، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

ایمان، محمدتقی و جلائیان بخشنده، وجیهه (۱۳۸۹). «بررسی و تبیین رابطه مسئولیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی در بین جوانان شهر شیراز»، *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۱، شماره ۳۷ (۱): ۴۲-۱۹.

چلبی، مسعود (۱۳۹۵). *جامعه‌شناسی نظم*، چ هشتم، تهران: نشر نی.

حسامی، زهرا و همکاران (۱۴۰۲). «طراحی مدل رهبری اخلاقی آینده‌نگر در سازمانهای مبتنی بر مسئولیت اجتماعی»، *فصلنامه آینده‌پژوهی ایران*، دوره هشتم، شماره ۱ (۱۴۱): ۱۶۹-۱۹۵.

دورکیم، امیل (۱۳۸۴). *درباره تقسیم کار اجتماعی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.

دورکیم، امیل (۱۳۹۱). *درس‌های جامعه‌شناسی؛ فیزیک اخلاقیات و حقوق*، ترجمه جمال‌الدین موسوی، تهران: نشر نی.

- ذاکری، آرمان (۱۴۰۰). همبستگی اجتماعی و دشمنان آن؛ مکتب موس و دورکیم در برابر فایده‌گرایی و فاشیسم، تهران: نشر نی.
- ذکایی، محمدسعید (۱۳۷۶). «دیگرخواهی و جامعه‌شناسی؛ نقد و بررسی نظریات موجود»، فصلنامه فرهنگ، شماره ۲۲ و ۲۳: ۲۷۵-۲۹۶.
- سروش، مریم (۱۳۹۱). «احساس مسئولیت فردی و اجتماعی، دیگرخواهی و اعتماد اجتماعی»، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۳، شماره ۴۶(۲): ۲۱۱-۱۹۳.
- سینگر، پیتر (۱۴۰۰). دیگر دوستی مؤثر، ترجمه آرمین نیاکان، تهران: نشر نی.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۸). «منطق پژوهش تطبیقی»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، سال سوم، شماره ۸(۴): ۷۶-۹۲.
- کانت، امانوئل (۱۳۹۹). درس‌های فلسفه اخلاق، ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی، چ هفتم، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- کوثری، مسعود (۱۳۸۶). «تحلیل مقایسه‌ای کیفی در علوم اجتماعی»، فصلنامه نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۱: ۱۴۲-۱۶۷.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۸). سیاست، جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، چ ششم، تهران: نشر نی.
- لیتل، دانیل (۱۳۸۶). تبیین در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: مؤسسه انتشارات صراط.
- میرزائی ملکیان، محمد و توکلی، زهره (۱۳۹۷). «بررسی وضعیت اخلاق اجتماعی در میان شهروندان کرمان»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۱۲، شماره ۴: ۱۳۲-۱۰۹.
- میرزایی، جمشید (۱۴۰۲). «بررسی وضعیت پژوهش‌های تطبیقی در حوزه مطالعات اجتماعی در ایران»، فصلنامه پژوهش در آموزش مطالعات اجتماعی، سال پنجم، شماره ۴(۱۸): ۹۴-۶۹.
- نوربخش، یونس و اکبریان، مصطفی (۱۳۹۷). تبیین جامعه شناختی مسئولیت اجتماعی بنگاه‌های اقتصادی - انتفاعی براساس هنجارهای اخلاقی و دینی ...»، فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره نهم، شماره ۲: ۶۱-۴۱.
- یزدان‌پناه، لیلیا و حکمت، فاطمه (۱۳۹۳). «بررسی عوامل مؤثر بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۸، شماره ۲: ۱۵۲-۱۲۸.

Abend, G. (2008). Two Main Problems in the Sociology of Morality. *Theory and Society*, 37(2), 87-125.

Barthorpe, W. Mitchell, G.S. and Loveley, R. (2007). Corporate Social Responsibility and Economic Behavior. *Economic Research Quarterly*, Vol. 11 (3) 103-114.

- Chandler, Charles R (1984) .Durkheim and individualism: A comment on messner. *Social force*, Vol. 63, N.2
- Douzinan, C. and Zizek, S. (2010) .*The Idea of Communism*, London :Verso
- Durkheim, E (1949) .*The Division of Labor in Society*, Book 1, Ch. 2, trans. George Simpson. lenceo, IL: The Free Press.
- Durkheim, E. (2009) .*Socialism and Saint-Simon* (Routledge Revivals). Routledge.
- Hitlin, S., & Vaisey, S. (2013). The new sociology of morality. *Annual review of sociology*, 39(1), 51-68.
- Roscoe, P. (2006) .The Comparative Method, Pp. 25-46 In book: *The Blackwell Companion to the Study of Religion* , R. A. Segal (ed.), Blackwell Publishing Ltd.
- Schuyt, T., Smit, J., & Bekkers, R. (20۱۳). Constructing a philanthropy-scale: Social responsibility and philanthropy. *Order*, 501(5704), 10-2139.
- Mahoney, J and Rueschemeyer, D. (2003) .*Comparative Historical Analysis in the Social Sciences*, New York: Cambridge University Press.
- Singer, P. (1972). Famine, Affluence, and Morality. *Philosophy & Public Affairs*, 1(3), 229–243.
- Singer ,P. (2015). *Famine, Affluence, and Morality* ,Oxford University Press.
- ...Philosophers' Magazine Publisher: *Philosophy Documentation Center Issue: 73*, Page: 60-61, URL: [10.5840/tpm20167374](https://www.philosophydocumentationcenter.com/philosophy-documentation-center-issue-73).
- Singer, P. (2019). *The life you can save: How to do your part to end world poverty*. The Life You Can Save. org.
- Smelser, N. J. (2003) .On Comparative Analysis, Interdisciplinary and Internationalization in Sociology ,*International Sociology*, Vol 18(4): 643–657.
- Thompson, S. (2021). *Corporate Social Responsibility (Sociology)*. Published By: EBSCO host , <https://www.ebsco.com/>
- Zizek, S. (1999) .The Ticklish Subject: The Absent Centre of Political Ontology, London :Verso Books.
- Zizek, S. (2006) .*The Parallax View*, Cambridge, Massachusetts :MIT Press
- Zizek, S. (2008) .*Violence: Six Sideways Reflections*, London: Picador
- Zizek, S. (2008) .*In Defense of Lost Causes*, London: Verso Books.
- Zizek, S. (2009) .*First As Tragedy, Then As Farce*, London :Verso Books.
- Zizek, S. (201۰) .*Living in the End Times*, London :Verso Books.
- Zizek, S. (2019). *The sublime object of ideology*, London : Verso Books .